



قطعی آب در دستور کار نیست

شرکت آب و فاضلاب استان تهران با اعلام اینکه هیچ‌گونه برنامه قطعی آب در دستورکار این شرکت قرار ندارد، دلایل نوسان‌های شبکه آب را ناشی از افزایش دما و رشد پیک مصرف در برخی ساعات اعلام کرد. به گزارش تسنیم، شرکت آب و فاضلاب استان تهران اعلام کرد که این استان برای نخستین بار در دوره آماری درازمدت، پنجمین خشکسالی پیاپی را تجربه می‌کند و میزان بارش‌ها در سال آبی جاری حدود ۵۰ درصد در مقایسه با میانگین بلندمدت کاهش یافته است. با وجود کم‌بارشی و محدودیت‌های آبی ناشی از خشکسالی‌های بی‌سابقه، آبای تهران اعلام کرده که در تلاش است با مدیریت فشار شبکه و توزیع عادلانه آب و همراهی شهروندان در صرفه‌جویی ۲۰ درصدی، از اعمال قطعی آب پیشگیری کند.



بسته حمایتی کسب و کارها نهایی شد

بسته حمایتی با تمرکز بر تأمین منابع مالی، سیاست‌های بانکی، مالیاتی و گمرکی، جهت کاهش فشار اقتصادی طراحی شده است. علیرضا خزایی نماینده معاونت سیاست‌گذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه این اقدامات در سه محور اصلی بازار سرمایه، نظام بانکی و گمرکات متمرکز است، تصریح کرد: همچنین، ستاد مرکزی بازسازی به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور تشکیل شده تا بر تمرکز بر برآورد خسارات، جبران خسارت و بازسازی سریع، روند بازگشت به شرایط عادی را تسریع کند. خزایی بیان کرد: در شرایط جنگی، نظام بانکی اقدامات متعددی را اجرایی کرده است از جمله: بخشودگی جرایم دیرکرد تسهیلات معوق تا سقف ۷۰۰ میلیون تومان، از ابتدای خرداد تا پایان تیرماه، افزایش سقف عملیات کارت به کارت از ۵ میلیون به ۱۰ میلیون تومان روزانه از هر کارت، افزایش ۵۰ درصدی تزریق اسکناس به بانک‌ها و خودپردازها با تمرکز بر استان‌های مهمان‌پذیر، اجرای بسته‌معیشتی شامل افزایش سقف سرمایه در گردش تولید دارو، تمدید سررسید تسهیلات تا پایان شهریور و تسهیل اخذ وثایق برای تسهیلات تا سقف ۵ میلیارد تومان.



تمدید مهلت اظهارنامه تا ۳۱ شهریور

براساس اعلام سازمان امور مالیاتی کشور، مهلت ارائه اظهارنامه مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی تا ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۴ تمدید شد. به گزارش رسانه مالیاتی ایران، سازمان امور مالیاتی کشور طی بخشنامه‌ای اعلام کرد: به موجب مصوبه مراجع قانونی واحدهای حقیقی و حقوقی می‌توانند اظهارنامه‌های مالیاتی خود شامل (اظهارنامه‌های موضوع مواد ۸۰، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۶ و ۱۲۶ قانون مالیات‌های مستقیم) که آخرین مهلت انقضای تسلیم آنها در بازه زمانی ۲۳ خردادماه ۱۴۰۴ لغایت قبل از پایان شهریورماه سال ۱۴۰۴ می‌باشد، تا پایان شهریورماه تسلیم نمایند. بر این اساس موذیان حقیقی و حقوقی تا روز دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۴ فرصت دارند که اظهارنامه مالیاتی خود را به سازمان امور مالیاتی کشور ارائه دهند.

حمید قنبری مدیرکل سابق بین الملل بانک مرکزی در گفت‌وگو با هم‌میهن تبعات فعال شدن مکانیسم ماشه بر اقتصاد را تشریح می‌کند

تحریم‌های اقتصادی باز نمی‌گردد



عکس: Reuters

فرزانه طهرانی

دبیر گروه اقتصاد

ماشه از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد اعمال خواهد شد هم‌سطح و از یک جنس نیستند. بعضی از آن‌ها جنبه سیاسی و نمادین دارند. بعضی دیگر، دقیقاً نهادها، افراد، شرکت‌ها یا اقلام خاصی را هدف می‌گیرند؛ و بعضی هم ابزارهایی حقوقی برای کنترل دسترسی ایران به فناوری حساس به‌شمار می‌روند.

ما اجازه دهید جزء به جزء پیش برویم و قطعنامه‌ها را یک به یک بررسی کنیم. در شش قطعنامه‌ای که در شورای امنیت به تصویب رسید کدام یک اهمیت بیشتری دارد و برای ایران محدودیت‌های اقتصادی بیشتری همراه خواهد داشت؟

نخستین تحریم‌های اقتصادی از تصویب قطعنامه سوم یعنی قطعنامه ۱۷۴۷ شروع شد اما برای درک بهتر از روندی که طی شد؛ ابتدا نگاهی اجمالی به قطعنامه‌های اول و دوم بیاندازیم. شروع زنجیره تحریم‌ها با تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت است که در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶، تحت فصل هفتم منشور ملل متحد تصویب شد. قطعنامه ۱۶۹۶ از لحاظ ساختاری ساده، اما از نظر حقوقی نقطه عطفی در برخورد سازمان ملل با برنامه هسته‌ای ایران محسوب می‌شود. مهم‌ترین مفاد الزام‌آور آن در دو بند خلاصه می‌شود: اول، دستور به ایران برای تعلیق کامل کلیه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری اورانیوم، از جمله در سطح تحقیق و توسعه؛ و دوم، درخواست از همه کشورهای عضو سازمان ملل برای جلوگیری از انتقال هرگونه اقلام، مواد یا فناوری‌هایی که می‌تواند در خدمت این فعالیت‌ها یا برنامه موشکی ایران قرار گیرد.

در صورت اجرای اسنپ‌بک، این دو بند مجدداً به‌طور خودکار فعال خواهند شد. به این معنا که ایران از منظر حقوق بین‌المللی موظف خواهد بود تمام فعالیت‌های مربوط به چرخه سوخت هسته‌ای را متوقف کند، و سایر کشورها نیز موظف به اعمال محدودیت‌های صادراتی و فنی خواهند بود. برخلاف برخی تصورها، این تحریم‌ها محدود به اقدامات داوطلبانه یا نمادین نیستند، بلکه الزامات اجرایی تحت فصل هفتم منشور هستند که رعایت آن‌ها برای همه کشورها الزام‌آور است.

ما در جنگ ۱۲ روزه و حملاتی که به تأسیسات هسته‌ای ایران صورت گرفت؛ بنا بر ادعای آمریکا امکان ادامه برنامه‌های غنی‌سازی تا مدت زیادی از ایران گرفته شده است. در این صورت قطعنامه ۱۶۹۶ چه معنایی خواهد داشت؟

بله می‌دانیم که اسرائیل و ایالات متحده با حملاتی بی‌سابقه، تأسیسات کلیدی ایران در نطنز، فردو و اصفهان را هدف قرار دادند. اما روایت‌های متفاوتی از میزان تخریب این مراکز وجود دارد؛ برخی گزارش‌ها از «نابودی کامل» برخی تأسیسات سخن می‌گویند، در حالی که منابع دیگر از تخریب محدود، یا فقط تخریب سطحی و نه زیرزمینی خبر داده‌اند. در مجموع، نمی‌توان با قاطعیت درباره عمق و وسعت آسیب‌ها اظهار نظر کرد.

با این حال، تحلیل ما صرفاً حقوقی است و ناظر به ساختار الزامات

بین‌المللی ناشی از قطعنامه‌ها، فارغ از این که زیرساخت‌های فیزیکی در چه وضعیتی هستند. از این منظر، اسنپ‌بک منجر به بازگشت الزامی دو دستور مشخص قطعنامه ۱۶۹۶ خواهد شد. حتی اگر بخشی از زیرساخت‌های غنی‌سازی از میان رفته باشند، تعهد به توقف فعالیت‌ها همچنان باقی است و می‌تواند شامل تلاش برای بازسازی نیز بشود. مهم‌تر از آن، ممنوعیت انتقال تجهیزات، فناوری و مواد حساس به ایران، یکی از ابزارهای اصلی برای ممانعت از بازسازی یا احیای این زیرساخت‌هاست. در نتیجه، هرچند حملات نظامی ممکن است بخشی از موضوع تحریم‌ها را عملاً منتفی کرده باشد، اما از منظر حقوقی، قطعنامه ۱۶۹۶ همچنان بخشی از سازوکار کنترل و مهار برنامه هسته‌ای ایران به‌شمار می‌رود. اجرای آن در قالب اسنپ‌بک، بیش از آن که متکی به ارزیابی فنی وضعیت فعلی تأسیسات باشد، ناظر بر جلوگیری از بازسازی یا توسعه‌ی مجدد آن‌ها در آینده است.

ما در قطعنامه ۱۷۳۷ که در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ به تصویب رسید آیا تحریم‌ها به سمت ماهیت اقتصادی پیش رفت؟ نخستین قطعنامه‌ای که تحریم‌هایی هدفمند علیه اشخاص، نهادها و فعالیت‌های مالی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران وضع کرد و ساختار تحریمی پیچیده‌تری را پایه‌گذاری کرد، قطعنامه ۱۷۳۷ بود. قطعنامه ۱۶۹۶ صرفاً هشدار بود و از ایران خواسته بود تا فعالیت‌های غنی‌سازی را متوقف کند، بی‌آن که تحریمی وضع کند. اما از آنجا که ایران به خواست‌های شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زمینه تعلیق غنی‌سازی پاسخ مثبت نداد، شورای امنیت با استناد به ماده ۴۱ منشور ملل متحد، تحریم‌هایی مشخص را اعمال کرد. اما برخلاف تصور عمومی، این تحریم‌ها به‌هیچ‌وجه دامنه‌ای گسترده در اقتصاد ایران نداشت.

تحریم‌های قطعنامه ۱۷۳۷ به‌طور دقیق ناظر بر فعالیت‌های حساس هسته‌ای ایران بودند، یعنی حوزه‌هایی مانند غنی‌سازی اورانیوم، بازفرآوری، پروژه‌های مرتبط با آب سنگین، ساخت تجهیزات موشکی یا قابلیت حمل سلاح هسته‌ای، و انتقال فناوری‌های خاص. بر همین اساس، ایران ملزم شد فوراً فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری را به حالت تعلیق درآورد و کار بر روی راکتور آب سنگین اراک را متوقف کند. همچنین، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مأمور شد صحت این تعلیق را راستی‌آزمایی کند.

از سوی دیگر، همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد نیز ملزم شدند از صدور یا انتقال هرگونه کالا، خدمات فنی، فناوری یا تجهیزاتی که ممکن بود در حوزه‌های غنی‌سازی، بازفرآوری یا برنامه‌های موشکی ایران به‌کار رود، خودداری کنند. افزون بر آن، دارایی‌های برخی افراد و نهادهایی که با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران مرتبط بودند، مسدود شد. این تحریم‌ها همچنین مشمول ممنوعیت آموزش تخصصی و انتقال دانش فنی در رشته‌هایی می‌شد که می‌توانستند به این برنامه‌ها یاری برسانند.

ما می‌توانیم بگوییم بازگشت دو قطعنامه اول، تأثیری بر اقتصاد ندارد؟

در قطعنامه ۱۷۳۷ هم مثل قطعنامه قبل، به‌هیچ‌وجه شامل تحریم‌های گسترده اقتصادی نشد. نه صادرات نفت ایران را ممنوع کرد، نه به سیستم بانکی ایران کاری داشت، نه بانک مرکزی یا بانک‌های تجاری را هدف قرار داد، نه از تجارت عمومی کالا و خدمات جلوگیری کرد، و نه شرکت‌های کشتیرانی، بیمه، حمل‌ونقل، و پتروشیمی یا صنایع دیگر را تحریم کرد. این قطعنامه کاملاً هدف‌دار و محدود بود و تنها بر فناوری‌های حساس هسته‌ای و موشکی متمرکز بود. حتی در مواردی مانند انتقال اقلام بشردوستانه، پزشکی، کشاورزی یا درمانی، امکان صدور مجوز برای استثنای در نظر گرفته شده بود. در حوزه مالی نیز، برخی دارایی‌ها قابل استفاده برای هزینه‌های روزمره یا پرداخت هزینه‌های حقوقی بودند، مشروط به اطلاع و تأیید کمیته تحریم.

بنابراین، اگر امروز اسنپ‌بک فعال شده و این قطعنامه مجدداً اجرایی شود، پیامدهای مستقیم آن صرفاً محدود به حوزه‌هایی مانند غنی‌سازی، آب سنگین، برخی تجهیزات فنی حساس، اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با برنامه هسته‌ای یا موشکی خواهد بود. این قطعنامه خودبه‌خود صادرات نفت را متوقف نمی‌کند، دسترسی ایران به سیستم‌های مالی بین‌المللی را نمی‌بندد، یا ارتباطات تجاری عمومی را قطع نمی‌سازد. از این رو، اثر عملی آن بر اقتصاد ایران به‌رغم تأثیر محدودتر از آن چیزی است که در دوره تحریم‌های ثانویه آمریکا شاهد بودیم.

ما یعنی از بازگشت این دو قطعنامه نباید نگران بود؟

البته نباید از تأثیرات سیاسی و روانی چنین تحریمی غافل شد. بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت می‌تواند بهانه‌ای برای تشدید تحریم‌های یک‌جانبه و فشار سیاسی و اقتصادی مضاعف از سوی برخی کشورها باشد. اما در مقام تحلیل حقوقی و اجرایی، باید اذعان کرد که قطعنامه ۱۷۳۷ به‌هیچ‌وجه در ردیف تحریم‌های فراگیر اقتصادی قرار نمی‌گیرد و تنها یک گام اولیه برای فشار فنی و فیزیکی بر برنامه هسته‌ای ایران محسوب می‌شود.

ما بازگشت قطعنامه سوم یعنی قطعنامه ۱۷۴۷ چه اثرات اقتصادی به دنبال خواهد داشت؟

هرچند قطعنامه ۱۷۴۷ دایره تحریم‌ها را گسترش داد و ابعاد تازه‌ای از روابط بین‌المللی ایران را هدف گرفت اما در این مرحله هم تحریم‌ها به‌طور مستقیم بخش‌های اصلی اقتصاد ایران مانند نفت، گاز، سیستم بانکی، تجارت عمومی و صنایع مادر را در بر نمی‌گرفت.

این قطعنامه، با تأکید بر ادامه عدم همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تداوم فعالیت‌های غنی‌سازی، خواستار تقویت و تعمیق اقدامات اتخاذشده در قطعنامه پیشین است. مهم‌ترین اقدام جدید در قطعنامه ۱۷۴۷، تحریم صادرات تسلیحات از ایران بود. بر اساس بند ۵، ایران از هرگونه صادرات